

ساعتي مهمان مادر باش

نگاهی کوتاه به کتاب «مادر»

کتاب «مادر» گوشه‌ای از زندگی حضرت فاطمه زهرا^(س) را به تصویر کشیده و نشر عهد مانا منتشر کرده است. نرجس شکوریان فرد این کتاب را با قلمی زیبا، روان و دلنشین با پرداختن به بیش از چهل داستان با حال و هوایی متفاوت از زندگی پر از احساس حضرت فاطمه^(س) به نگارش در آورده است. در صفحه نخست کتاب، مخاطبان را لحظاتی میهمان خانه این مادر می‌کند و با این متن، خوانندگان را به زیبایی به خواندن کتاب دعوت می‌کند: راست و درست زندگی کردن، قاعده‌های خوشبختی را در زندگی کسی دیدن، چند روزی، چند ساعتی، لحظاتی، با یک عزیز بی‌همتا گذراندن، در خانه او تکیه به دیوارش دادن و چشم دنبالش داشتن، فکر و ذهن را میزبان صحبت‌هایش کردن، دل را در کنارش بزرگ کردن، تابی نهایت، یک آرزوست. این کتاب لذت این آرزو را اندکی به جان می‌نشانند. اندازه قطره‌ای میهمان خانه مادر عالم شدن خوشامد دارد. نویسنده در ابتدای کتاب خواننده را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید با اینکه در جامعه مدرن امروزی زندگی می‌کنیم، علاقه خاصی داریم برگردیم به زمان پیامبر^(ص) و زمانی را هرچند کوتاه در خانه پر از آرامش آن‌ها نفس بکشیم و هردو، هم نویسنده هم خواننده، وارد فضا و زندگی حضرت فاطمه^(س) می‌شوند.

«یک خانه کاهگلی بود، از این قدیمی‌ها که وقتی واردش می‌شوی از در و دیوارش انرژی‌های مثبت می‌خورد به سر و صورتت. به قول دوستی، خانه روشن است انگار. اول حیاط بود، بعد هم اتاق‌ها. وسایل خانه خیلی کم و معمولی بود اما یک چیزهای نابی از اهل خانه تعریف کرده بودند که هر کسی حسرت این را می‌خورد کاش حداقل یک ساعتی می‌توانستم در فضای این خانه و اهل و عیالش میهمان باشم یا حداقل بشود یکی دو ساعتی ماند و به دیوارهایش تکیه زد. می‌دانی چه حالی می‌شوی وقتی در فضای پرتنش که مثل تار عنکبوت دورت تنیده شده و داری میانش دست و پا می‌زنی یکی بیاید برایت از آرامشی تعریف کند که رؤیایی است؟ خب، هوش و حواس را می‌برد!» «مادر» روایت داستانی صمیمانه‌ای برای به تصویر کشیدن زندگی حضرت فاطمه^(س) در پیش می‌گیرد. تا پایان کتاب نیز همین روایت را ادامه می‌دهد. هر مطلبی در این اثر قرار گرفته است بنا به مرجعی است که لایه‌لای متن آورده شده است. «مادر» سخنتش را از زندگی پیامبر^(ص) آغاز می‌کند. از به دنیا آمدنش می‌گوید، از کودکی‌اش، از یتیمی‌اش، از دست دادن مادر و سختی‌ها و رنج‌هایش تا می‌رسد به ازدواجش با حضرت خدیجه^(س). مادر حضرت فاطمه^(س). از مقدمات آمدن حضرت مادر تا به دنیا آمدن و زندگی‌شان. وقتی کتاب خوانده می‌شود،

وظایف پدری و مادری در دوران امروزی با آن خانه آسمانی مقایسه می‌شود. زندگی در خانه‌های امروزی با آن خانه و غفلت‌هایی که کرده‌ایم، همه، جلو چشمانمان می‌آید.

نرجس شکوریان فرد از مؤلفان پرتلاش در حوزه داستان است. از معروف‌ترین آثار او می‌توان «رنج مقدس»، «از کدام سو»، «هوای من»، «مادر»، «پدر»، «زنان عنکبوتی»، «میر و علم‌دار»، «امام من» و «اپلائی» را نام برد.



مادر

• نویسنده: نرجس شکوریان فرد

محرم اسرار اهل بیت (ع)

آشنایی با ام سلمه همسر پیامبر (ص)



ریحانه عامل نیک کارشناس ادبیات



هر آدمی داستانی دارد. داستان زندگی بعضی از ما طولانی است، آن قدر که رمان «جنگ و صلح» هم مقابلش کم می‌آورد و زندگی بعضی‌ها همان در یک جمله سر و تهش جمع می‌شود. اینکه می‌نویسم داستان بعضی‌ها همان به قاعده یک رمان چندجلدی است، معنی‌اش این نمی‌شود که آن چندجلدی‌ها همیشه شاهکار از آب درآمده‌اند که در بین خودمان آدم‌هایی را سراغ داریم که زندگی‌شان مثنوی هفتاد من کاغذ است و دریغ از یک جمله طلایی بینش، اما هستند داستان‌های یک خطی که به همه ماجراهای هزارویک شبی می‌ارزند. گاه حتی در یک کلمه هم اگر جمعشان کنی، باز طلایی هستند. نمونه‌اش روایت زندگی ام سلمه، همسر پیامبر^(ص)، است که هرچند کوتاه نیست، می‌توان همه ماجرایش را در یک کلمه «وفا» خلاصه کرد و خاطر جمع بود که همین شاه کلید وفا تمام و کمال حق مطلب را در باره‌اش ادا خواهد کرد. ام سلمه در سال چهارم هجری پس از وفات شوهرش به عقد پیامبر^(ص) درآمد. او بین همسران پیامبر^(ص) جایگاه ویژه‌ای داشت، نشان به آن نشان که امام صادق^(ع) او را برترین همسر رسول خدا^(ص) پس از حضرت خدیجه معرفی می‌کند. این برتری را ام سلمه نه فقط برای ادبش در رابطه با پیامبر^(ص)، نه فقط برای اینکه خانه‌اش محل نزول تعدادی از آیات و سوره‌های قرآنی بود، نه فقط برای احادیثی بسیاری که راوی آن‌ها بود، نه فقط برای نگهداری از حضرت زهرا^(س) پس از فوت حضرت خدیجه که برای رابطه قوی‌اش با خاندان اهل بیت کسب کرده بود. شاخص این رابطه وفا بود تا آنجا که در تا پایان عمر، هر جا که لازم بود، مانند ماجرای فدک، امامت امام علی^(ع)، خاک سپاری حضرت زهرا^(س)، جنگ جمل و ... حضور داشت و از حق اهل بیت^(ع) دفاع کرد. طبق وصیت حضرت زهرا^(س)، ام سلمه که با او عقد خواهری بسته بود، در مراسم خاک سپاری ایشان شرکت داشت و از محل دفن او آگاه بود. برای همین، عجیب نیست که محبتش به حضرت زهرا^(ع) و فرزندان ایشان مثال‌زدنی بود و نزد خاندان نبوت جایگاه حافظ و دایع و محرم اسرار را پیدا کرده بود.

آشنایی

۵ دی ۱۴۰۱
شماره ۲۲ جمادی الثانیه ۱۴۴۴

(۸)

ضمیمه روزنامه شهر آرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرمسئول:
سیدمیثم موسوی مهر
سرمدیر:
سید سجاد طلوع هاشمی
دبیرضمانت:
ارژنگ حاتمی
دبیرضمیمه:
حمیده وحیدی

شعر آیینی درهای آسمان را به رویم باز کرد

در فرهنگ و ادبیات ما علاقه و محبت به اهل بیت^(ع) از دیرباز ریشه داشته است. از گذشته تا امروز شعرهای بسیاری آمیخته با حزن و ارادت قلبی شاعران مردمی در قالب نوحه‌خوانی‌های کلاسیک و نو نیز مدایح و مراثی در سوگ شهادت ائمه اطهار سروده شده است و در عزاداری‌ها شکوه هم‌نواپی بی‌نظیری را خلق می‌کند. مانند عزاداری‌های خاص ایام محرم و صفر و شب‌های قدر که مصادف با شهادت امیرالمؤمنین^(ع) است. هم چنین ایام شهادت حضرت زهرا^(س) که از آن با نام «دهه فاطمیه» یاد می‌شود. رباعیات، ترانه‌ها، مثنوی‌ها و دوبیتی‌هایی با مضمون ولادت هر یک از امامان بزرگوار شیعه که اغلب در اعیاد مذهبی خوانده می‌شوند و به سهم خود بیانگر عشق و اشتیاق ارادتمندان به خاندان مطهر پیامبر بزرگوار اسلام هستند. زینب حسامی دبیر انجمن ادبی «آهوی دل» و یکی از زنان آیینی‌سرای شهرمان مشهد است. این انجمن که هر هفته یکشنبه‌ها در



عاطفه رنگباز طوسی نویسنده

آموختند. می‌گوید: در حال حاضر خانه کوچکی در سایت پروانه‌ها به نام ثبت شده است که شعرهایم را در میان آثار دیگر شعرای آیینی کشور منتشر می‌کند. او درباره حضورش در جشنواره‌های شعر و چاپ آثارش می‌گوید: من کمتر در جشنواره‌ها شرکت می‌کنم. با این همه، منتخب جشنواره شعر عشار و داور جشنواره شعر دفاع مقدس بودم. حسامی ماجرای علاقه‌مند شدنش به شعر آیینی و سرودن آن را چنین تعریف می‌کند: اوایل تنها قلم زدن در وادی غزل را تجربه می‌کردم تا اینکه به پیشنهاد و اصرار یکی از دوستان نازنینم که در فضای مجازی در زمینه شعر و ادبیات فعال بود، شروع به آیینی نوشتن کردم و انگار کم کم درهای آسمان به رویم باز شد. انگار پرواز در ملکوت را تجربه کردم. حسامی دانش‌آموخته رشته حسابداری است. از آن دوران و علاقه‌اش به شعر و شاعری این طور یاد می‌کند: در دانشکده با اینکه رشته تحصیلی من ادبیات نبود، مسئول برگزاری شب‌های شعر بودم و اولین هدیه را هم از دست دکتر محمود اکرامی فر گرفتم. شعرم به امیرالمؤمنین^(ع) تقدیم شده بود و آن هدیه نهج البلاغه بسیار زیبایی بود که بسیار دوست دارمش.

خانه هنرمندان مشهد (واقع در پارک کوهسنگی) برگزار می‌شود دوستداران و علاقه‌مندان خاص خودش را دارد و در کنار شعرخوانی آزاد، به رسم همیشگی جلسه، شاعران آیینی تازه‌ترین سروده‌های خود را می‌خوانند و ضمن نقد و بررسی دوستانه، درباره آن با هم گفت‌وگو می‌کنند. زینب حسامی با مرهمداری و خوش خلقی مخصوص به خودش در گرد هم آمدن شاعران از گوشه و کنار مشهد در این انجمن و نیز حضور یافتن شاعران مهمان از دیگر شهرستان‌های استان خراسان اثرگذار است. او همواره به سهم خود در تلاش است آهوی دل انجمنی پایدار و خوش‌نام‌ونشان باقی بماند. حسامی درباره ارتباط خود با شعر می‌گوید: دنیای ادبیات در واقع اقیانوس زیبایی است که در بی کرانه‌های امواجش سیر می‌کنی و در تبسم گرمابخش آفتابش صعود، و من خوشحالم از اینکه پای کرسی درس استادان خوب ادب و هنر فارسی می‌نشینم و شعر را جرعه‌جرعه می‌نوشم و یاد می‌گیرم، استادانی همچون پدر شعر آیینی کشور استاد دکتر محمدعلی مجاهدی و ادیب گران مهر استاد دکتر محمدی مبارز، استاد محمد علی صفری زرافشان و ... حسامی در ادامه از شاعر و خبرنگار خراسانی درگذشته مرحوم جلیل فخرازی نیز به نیکی یاد می‌کند و از همه کسانی که به تعبیر خودش بارها دستش را همچون طفلی نوپا گرفتند و قدم به قدم راه رفتن به سمت شعر را به او